

نگاه

نگاهی به فیلم «جیزهای کوچک این جنبنی»

روایتی عمیق از وجدان و سکوت

فرزانه‌متین

فیلم جیزهای کوچک این جنبینی (Small Things Like These)، یک اثر هنری و منحصر‌به‌فرد است که بخش فوق‌العاده درندکی از تاریخ ایرلند را نشان می‌دهد که دوست‌داشتنی نیست اما واقعیت دارد. این فیلم با ساختار ایرلندی به کارگردانی تیم میلانتس بلژیکی، یک فیلم کوچک، آرام و بی‌ادعا اما قدرتمند است، پیش از آنکه این اثر را بررسی کنیم، بهتر است با جامعه فقیر و مذهبی قرن بیستم ایرلند که کلیسا بر زندگی‌ها حاکم بود، آشنا شویم. در قرن بیستم، رختشورخانه‌هایی به نام مجدلیه وجود داشتند که مؤسسان آن کاتولیک‌های متعصب بودند. این رختشورخانه، پناهگاه‌هایی وحشتناک برای دختران به‌اصطلاح فریب‌خورده بودند که در آنجا به عنوان نیروی کار ارزان از آنها کار می‌کشیدند و پس از زایمان، فرزندانشان را به اجبار به سرپرستی دیگران می‌دادند. راه‌ها برای طمع‌کردن دختران از خشونت‌های کربدن و روانی استفاده می‌کردند. تقریباً از سال ۱۹۲۲ تا ۱۹۹۴ این صومعه‌ها دایر بودند و ۵۶ هزار دختر بی‌گناه در این سال‌ها به این صومعه‌ها رفتند و در رختشورخانه‌ها به کار گرفته می‌شدند.

حالا تیم میلانتس با تهیه‌کنندگی کیلیبن مورفی، یک فیلم با الهام از رمانی به همین نام که براساس واقعیت نوشته شده، ساخته است. رمان جیزهای کوچک این جنبینی با نویسندگی خانم کلر کیگان در سال ۲۰۲۱ به نگارش درآمد و جایزه اورول را از آن خود کرد.

این فیلم روایتی عمیق از وجدان، سکوت و قهرمانانی است که نام‌شان در تاریخ ثبت نمی‌شود. در «جیزهای کوچک این جنبینی» که در ژانر تاریخی و درام است، بازیگرانی همچون کیلیبن مورفی، امیلی واتسون، کیران هاینز، جوان کرافورد و مارک مک‌کنا به ایفای نقش پرداخته‌اند. نخستین اکران این اثر در جشنواره بین‌المللی برلین بود که برای بازیگر نقش مکمل زن با بازی امیلی واتسون در نقش خواهر مری، جایزه خرس نقره‌ای برلین را به ارمغان آورد.

در کریسمس سال ۱۹۸۵، بیل فرلونگ (با بازی کیلیبن مورفی)، یک زغال‌سنگ‌فروش در شهری کوچک به نام نیوراس و مردی خانواده‌دوست و شریف است، به یک صومعه محلی برای فروش زغال‌سنگ می‌رود و کشفی تکان‌دهنده انجام می‌دهد. او با حقیقت تلخی درباره شرایط ناپهنجار زنان و دخترانی که در رختشورخانه‌های مجدلیه نگهداری می‌شوند، مواجه می‌شود. این قضیه ماجرای زندگی او را تغییر می‌دهد و در مسیر انتخابی دشوار میان سکوت و کمک به این زنان قرار می‌گیرد.

جیزهای کوچک این جنبینی فراتر از یک درام ساده است؛ فیلم روی یکی از جنجالی‌ترین موضوعات اجتماعی ایرلند دست گذاشته که به‌شدت تلخ و دردناک است. فیلم‌نامه‌ای قوی به دور از جنجال و فریاد و اینکه ما دردمر داریم، درباره یک تراژدی بزرگ حرف می‌زند. شروع اثر به دلیل سوزناش به‌شدت اتمسفری تاریک و سرد دارد.

از طریقی همین تراژدی درون فیلم، روایت داستان ناگهان غیرخطی می‌شود و ما با خاطرات کودکی بیل آشنا می‌شویم. مادر بیل که شرایط بسیار سختی داشت و خودش یک‌تته پسرش را بزرگ می‌کرد، تحت سرپرستی خانم ویلسون مهربان قرار می‌گیرد و به همراه پسرش یک زندگی خوب و بی‌دغدغه را سپری می‌کند. بااین‌حال بیل صحنه از دست دادن مادرش را فراموش نکرده و برای او تبدیل به یک ترومای بزرگ شده است. از این‌رو، ما با فردی ساکت و افسرده روبه‌رو هستیم. بیل با داشتن پنج دختر و دیدن آن صومعه وحشتناک، همیشه ترس از آینده دخترانش را به دوش می‌کشد. درگیری‌های ذهنی‌اش زمانی به اوج می‌رسد که یکی از دختران صومعه به نام سارا که هم‌نام مادرش است، درحال تمیزکردن زمین، به او التماس می‌کند تا نجاشش دهد. زمانی که بیل با همسرش در این مورد صحبت می‌کند، زنش از او می‌خواهد برای آینده دخترانش سکوت کند. درواقع توده مردم ایرلند از این ظلم باخبر بودند، اما به دلیل ترس‌هایی که سایه کلیسا بر زندگی‌شان داشتند، سکوت اختیار کرده بودند. این درحالی است که بیل فردی شرافتمند است و می‌داند باید در قبال افراد جامعه مسئول باشد. او خود را جدا از توده مردم می‌بیند و سرانجام پس از کشمکش‌های درونی‌اش، به سارا کمک می‌کند و موفق هم می‌شود. این اثر تاریخی به‌شدت به واقعیت وفادار است و با اینکه دیالوگ در آن بسیار کم ردوبدل می‌شود، اما به‌خوبی توانسته از پس یک قصه بی‌ادعا برآید. ما با چند تصویر ساده، جامعه را مشاهده می‌کنیم. درواقع فیلم را به بهترین نحو انجام داده است. فیلم می‌کند. کارگردان فضاسازی را به بهترین شکل انجام داده است. فیلم شخصیت‌های زیادی ندارد و ریتم کند است، اما ضربه‌ای به اثر نمی‌زند و به عمق داستان کمک می‌کند. این نوع فیلم‌نامه‌نویسی شاهکار است و باید در کارگاه‌های فیلم‌نامه تدریس شود. فیلم اجتماعی درام و فلاکت‌بار همیشه با کریمه، غصه و جنجال همراه نیست، بلکه می‌تواند با آرامش و سکون، حق مطالب را ادا کند.

کیلیبن مورفی، برنده جایزه اسکار، نیز نشان داد که در میان قاب‌های سینما، انتخاب‌های سخت‌گیرانه‌ای دارد. او می‌تواند در فیلم‌های گیشه بازی کند، اما شخصیت او جاه‌طلب نیست. او با هنرمندی در سکوت، روح شخصیت بیل فرلونگ را به تصویر کشاند. تمام ریزه‌کاری‌های فیلم‌نامه بدون نقش آفرینی مورفی، درست درمی‌آمد. ظرافت عجیب او در بازی عالی است. مورفی با هر نگاه، مکث و حرکتش حامل وزن یک انتخاب بزرگ است؛ حتی وقتی در راه‌روهای باریک صومعه قدم می‌زند، احساس خفگی و فشاری را که بر دوشش است می‌بینیم. بازی او در این فیلم، یکی از بهترین اجراهاست که ثابت می‌کند قهرمان بودن نیاز به فریاد ندارد.

«جیزهای کوچک این جنبینی» فقط داستان یک مرد ایرلندی نیست، بلکه بازتابی از وجدان جمعی همه ما انسان‌هاست. آنچه این فیلم را به اثری ماندگار تبدیل می‌کند، بیش از هرچیز درون‌مایه و مواجهه با وجدان و تصمیم‌گیری در لحظه‌ای است که همه‌چیز علیه ما قرار دارد.



جشنواره فیلم فجر از زمان تأسیس از بهمن ۱۳۶۱ تا امروز، همواره محل برخی از مهم‌ترین تصمیمات در سینمای ایران بوده است. از تولد سیمرغ به عنوان نماد مهم‌ترین جشن سینمای ایران در دوره هفتم تا رفت‌وبرگشت‌های سیمرغ مردمی و ادغام و جداسازی بخش بین‌الملل و ملی جشنواره، بخشی از مهم‌ترین اتفاقات ادوار جشنواره فیلم فجر بوده است.

دوره اول: نخستین جشنواره فیلم فجر به دبیری حسین خوششوری در سال ۱۳۶۱ برگزار شد. پوستر اولین دوره این جشنواره توسط صادق بیرانی، از هنرمندان پیش‌سکوت ایرانی، طراحی شد. او در طراحی این پوستر از موضوع ارتباط سینما و انقلاب اسلامی بهره برد. فقط در این دوره بود که فیلم‌های هشت‌میله‌تری و ۱۶میله‌تری نمایش داده شد. در این دوره دو شماره کانهام ویژه بخش فیلم‌های هشت‌میله‌تری و ۱۶میله‌تری و پنج شماره نشریه به زبان‌های فارسی و انگلیسی منتشر شد. جمشید الوندی و مهرداد فخمی به عنوان فیلم‌بردار، فرهنگ معیری به عنوان چهره‌پرداز، رویبک منصوری به عنوان صدابردار و جلال پیشوائیان و علای جلال فکری به عنوان بازیگر از پرکارهای نخستین دوره و جشنواره فیلم فجر بودند. در این دوره هیچ فیلم بلندی برگزیده نشد و برگزیدگان از فیلم‌های آماتور، هشت‌میله‌تری و ۱۶میله‌تری بودند. **دوره دوم**: دبیری این دوره از جشنواره فیلم فجر به صورت گردویی انجام شد و این دوره هیئت انتخاب نداشت. این دوره به دلیل توجه به سینمای ایران، به صورت داخلی برگزار شد. فیلم «گفت به زیر سلطه من آید»، ساخته داریوش ارجمند اولین فیلمی بود که در جشنواره فیلم فجر نمایش آن با اعتراض تماشاگران همراه شد. برای نخستین بار به دنبال قطع‌شدن برق سالن سینما، اسامی برگزیدگان لو رفت. همچنین فیلمی به عنوان برگزیده از سمت هیئت داوران انتخاب نشد.

دوره سوم: این دوره از جشنواره به دبیری سیدمحمد بهشتی (مدیرعامل وقت بنیاد سینمایی فارابی) برگزار شد. در این دوره برای اولین بار بخش مسابقه فیلم‌های اول به جشنواره اضافه شد. برای اولین بار در سینما صحرا، جایگاهی ویژه به خبرنگاران اختصاص داده شد. همچنین برای اولین بار در تلویزیون ویژه‌برنامه‌ای به نام «جنگ هنر» به پوشش اخبار جشنواره فیلم فجر پرداخت. سینما «مرکزی» واقع در میدان انقلاب، از پر مخاطب‌ترین سینماهای جشنواره بود که بسیاری از مخاطبان حین نمایش آثار، ایستاده فیلم‌ها را تماشا می‌کردند. فیلم سینمایی «کمال‌الملک» نیز از پر مخاطب‌ترین فیلم‌های جشنواره بود و برای همین تقاضای سانس اضافه شد ولی از سوی حسین غفوری، تهیه‌کننده فیلم، با مخالفت روبه‌رو شد. اولین بار در این دوره بود که نشریه روزانه جشنواره منتشر نشد. همچنین فیلم «صاعقه» ساخته سیدضیاءالدین دری به دلیل اشکالات فنی از جشنواره خارج شد و به‌جای آن «همه فرزندان من» ساخته زاون قوگاسیان در بخش مسابقه جایگزین شد. برای نخستین بار کاتالوگ جشنواره فیلم فجر به سردبیری غلامرضا موسوی به اطلاعات مربوط به فیلم‌های جشنواره پرداخت و چند روز بعد از جشنواره منتشر شد.

دوره چهارم: در این دوره برای نخستین بار سیدمحمد بهشتی بود که چند سال پیاپی دبیری جشنواره را بر عهده داشت. همچنین برای نخستین بار در این دوره بود که بخش آماتور از بخش حرفه‌ای جدا شد و در قالب جشنواره مستقل سینمای جوان برگزار شد. اضافه‌شدن بخش کودکان و نوجوانان نیز آزمونی

برای برگزاری جشنواره مستقلی به همین نام بود. از این دوره برای جشنواره آونس ساخته شد که ساخت آن را صمد توافعی برعهده داشت. در این دوره برخی از فیلم‌ها پیش از جشنواره نیز به نمایش درآمده بودند که نمایش آنها در جشنواره با اعتراض مخاطبان در سینما کریستال روبه‌رو شد. فیلم‌های بخش ویژه نیز برای نخستین بار با زبان اصلی به نمایش درآمد. **دوره پنجم**: در این دوره برای نخستین بار انجمن هیئت انتخاب جشنواره فیلم فجر به صورت رسمی اعلام شدند و اولین بار بخش پوستر و هیئت انتخاب و داوری آن به جشنواره اضافه شد و در نهایت ۲۰ پوستر برای نمایش در بخش جنبی جشنواره انتخاب شدند. حضور دو نسل از کارگردانان در کنار هم از نکات درخور توجه این دوره از جشنواره بود. در شرایطی که برخی از استان‌ها زیر حملهٔ شدید هوایی در دوران دفاع مقدس قرار داشتند، جشنواره فیلم فجر به صورت سراسری در ۲۳ مرکز استان برگزار شد. برای اولین بار ماهنامه «فیلم»، ویژه‌نامه جشنواره فیلم فجر را منتشر کرد. برای اولین بار اسامی نامزدهای دریافت جوایز اعلام شدند. در این دوره، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم و معاونت فرهنگی بنیاد مستضعفان و ستاد امور جنگ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دفتر مرکزی جهاد سازندگی برگزیدگان خود را اعلام کردند.

دوره ششم: در این دوره، آونس و نمونه فیلم نیز به بخش تبلیغات جشنواره اضافه شد. بخش جدید امید، ایثار و دنیای اندری تارکوفسکی با استقبال علاقه‌مندان سینما روبه‌رو شد. اختلاف بین بنیاد سینمایی فارابی و حوزه هنری باعث شد هیچ فیلمی از حوزه هنری به جشنواره راه پیدا نکند. طی ۱۱ روز، بیش از ۲۷۰ نفر از جشنواره فیلم فجر بازدید کردند.

دوره هفتم: از این دوره سیمرغ با طرخی از ابراهیم حقیقی به عنوان نماد جشنواره فیلم فجر انتخاب شد و به تبع آن، جایزه اصلی نیز سیمرغ بلورین نام گرفت. در بخش بین‌المللی، سینمای کودک و نوجوان به صورت رقابتی برگزار شد و شش پروانه زین اهدا شد. نمایشگاه اعلان دیواری نیز در این دوره از جشنواره در محل مجتمع فرهنگی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برگزار شد. همچنین برای نخستین بار بخش بزرگداشت سینماگران معتبر خارجی به جشنواره اضافه شد. برای اولین و آخرین بار، سینما نادر، واقع در لاله‌زار، به نمایش آثار جشنواره اختصاص پیدا کرد. بولتن روزانه که پیش از این فقط در دوره نخست جشنواره منتشر شده بود، از این دوره به صورت مداوم منتشر شد. برای اولین بار یک سینمایی غیرفیلم‌ساز در جمع هیئت داوران حضور پیدا کرد.

دوره هشتم: برای اولین بار در این دوره هیئت داوران مستقل برای بخش فیلم‌های اول تشکیل شد و جوایز این بخش توسط مرکز گسترش سینمای تجربی و نیمه‌حرفه‌ای تأمین شد. در این دوره نیز بخش جشنواره جشنواره‌ها اضافه شد و آثار حاضر در جشنواره‌های معتبر جهانی در این بخش به نمایش درآمد. همچنین برای اولین بار ایران، آثار کودکان و نوجوانان در دو سینمای «شهر قصه» و «قیام» توسط منوچهر تودری، شهلا نظریان، جلال قماهی و رفته هاشم‌پور، به صورت هم‌زمان دوبله شد. فیلم سینمایی «غلغلت» نیز به کارگردانی ستوان‌دوم کامران ملکی به عنوان اولین فیلم بلند داستانی ارتش جمهوری اسلامی ایران در جشنواره به نمایش درآمد. در این دوره، نشست عناصر ریشناسی و زبان سینما توسط استغن شارف، استاد دانشکده سینمای کلمبیا، برگزار شد. ۱۲ فیلم در این دوره از جشنواره به صورت سانس ویژه به نمایش درآمد. نشریه روزانه نیز به صورت مشترک با جشنواره کودک نیز نظر بهژاد رحیمیان منتشر شد. فیلم سینمایی «ای ایران» ساخته ناصر تقوایی نیز به دلیل اینکه تا آخرین لحظه به دست داوران نرسید، مورد ارزیابی قرار نگرفت.

دوره نهم: در این دوره هزاروسه سانس در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد. فیلم‌های کودکان و نوجوانان و فیلم‌های مستند و کوتاه برای اولین بار از جشنواره جدا شدند و در جشنواره‌های مستقلی به نمایش درآمدند. در این دوره، نمایش دو فیلم «نوبت عاشقی» و «شب‌های زاینده‌رود» با حواشی زیادی همراه بود؛ به طوری که اعتراضات به نماز جمعه و صحن مجلس نیز کشیده شد. نیمی از ۴۲ فیلم حاضر در جشنواره توسط کارگردان‌های فیلم‌اولی و فیلم‌دومی ساخته شده بود. «برده آخر»، نخستین ساخته واروژ کریم‌مسیحی، نیز با دریافت ۶ جایزه از شگفتی‌های جشنواره نهم بود.

دوره دهم: در این دوره، به دلیل اینکه تعداد پوسترها و عکس‌های ارسال‌شده به جشنوا به حد نصاب نرسیده بود، مسابقه این دو بخش برگزار نشد. با حذف بخش مرور کارنامه یک‌ساله، آثار در دو بخش مسابقه اصلی و مسابقه فیلم‌های اول و دوم تقسیم شدند. همچنین بخش بین‌المللی جشنواره نیز به‌صورت رقابتی برگزار شد. در این دوره بود که در بخشی با عنوان «سینمای ایران در یک سکانس»، ۱۲۸ سکانس به انتخاب کارگردان‌ها از فیلم‌های ۹ دوره گذشته جشنواره به نمایش درآمد و کتابی با عنوان مرور بر ۹ دوره گذشته جشنواره منتشر شد. همچنین رخشان بنی‌اعتماد با دریافت سیمرغ کارگردانی به عنوان نخستین فیلم‌ساز زن در جشنواره فیلم فجر شناخته شد.

دوره یازدهم: از این دوره شیوه انتخاب آثار جشنواره تغییر کرد و سینما «شهر قصه» به رسانه‌های جمعی اختصاص پیدا کرد و نشست‌های خبری با حضور نویسندگان سینمایی و مطبوعات برگزار شد. در این دوره ۲۷ میهمان خارجی از کشورهای مختلف حضور داشتند. ویژه‌برنامه «جنگ هنر» نیز که با اجرای زنده‌یاد علی معلم از دوره هفتم آغاز شده بود، تا این دوره ادامه پیدا کرده بود. در این دوره برای اولین بار یک بازیگر (عزت‌الله انتظامی) به جمع هیئت داوران اضافه شد.

دوره دوازدهم: در این دوره هم‌زمان با برگزاری جشنواره فیلم فجر، نخستین کنکره فیلم‌سازان مسلمان از ۱۵ تا ۲۲ تا بهمین با شرکت ۸۰ میهمان خارجی در خانه سینما برگزار شد. همچنین در این دوره هیئت داوران در بیانیه خود، توجه کارگردانان را به موسیقی فیلم و نقش تعیین‌کننده آن جلب کرد. این دوره آخرین دوره دبیری پیاپی محمد بهشتی در جشنواره فیلم فجر بود.

دوره سیزدهم: در سیزدهمین دوره از جشنواره، پس از ۱۱ سال معاون سینمایی و دبیر جشنواره تغییر کرد. **دوره چهاردهم**: در این دوره از جشنواره در بخش مستندهای دفاع مقدس، بزرگداشت شهید سیدمرتضی آوینی برگزار شد. اداره جلسات پرش‌ش‌ویاسخ اهالی رسانه نیز با اجرای محمود کیرولو برگزار شد و همه

نکاتی از ۴۳ دوره جشنواره فیلم فجر؛

از اولین‌های فجر تا ثبات تصمیمات

فیلم‌های تولیدشده به تعداد ۴۱ فیلم در بخش سینمای ایران حضور پیدا کردند.

دوره یازدهم: برای نخستین بار سایت اینترنتی جشنواره فیلم فجر راه‌اندازی شد. در این دوره بود که شبکه رادیویی جوان افتتاح شد و به بررسی آثار جشنواره می‌پرداخت. مراسم اختتامیه این دوره نیز به صورت زنده از تلویزیون (شبکه دو) پخش شد.

فیلم‌های «لیلا» و «سلطان» از آثاری بودند که مخاطبان برای تماشای آن فیلم‌ها در صف‌های طولانی می‌ایستادند.

دوره شانزدهم: دبیر این دوره از جشنواره سیف‌الله داد بود. بزرگداشت دو بازیگر ایرانی عزت‌الله انتظامی و ابراهیم حاتمی‌کیا در این دوره با مروری بر آثار این دو هنرمند برگزار شد. همچنین پیش‌شرط نمایش در جشنواره برای اکران سال بعد حذف شد و بخش اصلی سینمای بین‌الملل به صورت رقابتی برگزار شد. بخش مسابقه فیلم‌های اول و دوم و مواد تبلیغی حذف شد. از این دوره بود که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاون امور سینمایی برای جشنواره پیام دادند. انجمن منتقدان نیز اداره سینمای اصحاب رسانه را برعهده داشتند و برای نخستین بازیگر زن (فرشته پورآپویر) در ترکیب هیئت داوران قرار گرفت. بازار فیلم در این جشنواره ران‌اندازی شد و سیمرغ مردمی نیز از این دوره به جشنواره اضافه شد.

دوره هفدهم: در این دوره پنج کارگردان در هیئت داوران کنار هم قرار گرفتند. مراسمی با عنوان اهدای جوایز جنبی برگزار شد. در این دوره بخشی با عنوان سینمای آینده که به بررسی آثار کوتاه می‌پرداخت، به جشنواره اضافه شد.

دوره هجدهم: در این دوره برخلاف سال‌های گذشته اکران عادی سینماها ادامه پیدا کرد.

دوره نوزدهم: در این دوره هیئت داوران در نشست خبری کاندیداهای دریافت سیمرغ را اعلام کردند و برای نخستین بار یک منتقد (جواد طوسی) در جمع داوران جشنواره قرار گرفت.

دوره بیستم: در این دوره بهمین فرمان‌آرا با دریافت سیمرغ بلورین بهترین فیلم، نخستین کارگردانی بود که با دو فیلم پیاپی، این عنوان را به دست آورد. حدود ۸۰ یلبورد به صورت پوستر فیلم در سطح شهر تهران از سه برگزیده اصلی ۱۹ دوره قبل جشنواره فجر نصب شد. آوتوبوس‌های مختلف در کنار سینماهای نمایش‌دهنده فیلم‌ها، محصولات سینمایی را عرضه کردند.

دوره بیست‌ویکم: پیش‌فروش بلیت‌ها در این دوره از جشنواره مکاتبه‌بر شد. سیمرغ فیلم‌برداری چهره‌پرداز، صدابرداری، صداگذاری و تدوین حذف شد و دو جایزه با عنوان دستاورد هنری جایگزین شد. سیمرغ مکمل نقش دوم زن و مردم حذف شد.

دوره بیست‌ودوم: این دوره از جشنواره به دبیری علیرضا رضاداد برگزار شد. مرور آثار بزرگداشت‌ها حذف شد و جوایز حذف‌شده نیز دوباره به جشنواره برگشت. بازار فیلم از معرفی محصولات به شکل خریدوفروش سینمایی و تلویزیونی نیز تغییر کرد.

دوره بیست‌وسوم: در این دوره برای جلوگیری از تصویربرداری غیرمجاز، سینماهای جشنواره به دوربین مداربسته مجهز شدند. بخش بین‌الملل شامل بازار فیلم، سینمای بین‌الملل، سینمای آسیا و سینمای معناگرا مستقل و اختتامیه مجزا با حضور میهمانان خارجی برگزار شد.

دوره بیست‌وچهارم: زمان برگزاری این دوره از جشنواره به دلیل تقارن با ایام محرم تغییر کرد (۳۰ دی تا ۱۰ بهمن). همچنین سیمرغ فیلم‌نامه اقتباسی نیز به جشنواره اضافه شد. جایزه برگزیدگان جشنواره در این دوره خودروی برابید و سمند بود. جدول نمایش فیلم‌ها هشت روز قبل از جشنواره منتشر شد و کاتالوگی جدا از کاتالوگ اصلی جشنواره در سینماهای نمایش‌دهنده مردمی عرضه شد. جایزه تحقیق و پژوهش هم در بخش مستند اضافه شد.

دوره بیست‌وپنجم: در این دوره سیمرغ طلایی به وزن ۵۵۰ گرم طلا به بهترین فیلم از نگاه ملی تعلق گرفت. سینماهای مردمی نیز در این دوره وسعت پیدا کرد.

دوره بیست‌وششم: بخش‌های مختلف جشنواره نام‌گذاری شد و جشنواره صاحب شعار شد. روزهای بخش بین‌الملل و ملی از هم جدا شدند. آونس جشنواره با حضور یک بازیگر (خسرو شکیبایی) ساخته شد. کارتهای خبرنگار با دیتجیتال شد.

دوره بیست‌وهفتم: در این دوره فیلم بلند ویدئویی نیز به جشنواره اضافه شد. مراسم اختتامیه از سوی خبرنگاران و عکاسان به دلیل اختصاص نیافتن جای مناسب به آنها تحریم شد.

دوره بیست‌وهشتم: دبیر جشنواره با عنوان رئیس سازمان جشنواره‌ها حکم گرفت. مسابقه آثار پویانمایی به جشنواره اضافه شد. پیش‌فروش بلیت‌ها، اینترنتی و برج‌مالد کاخ جشنواره شد. برترین‌های رسانه انتخاب شدند و در مراسمی جایگانه تقدیر شدند.

دوره بیست‌ونهم: تعداد اعضای هیئت انتخاب و داوران سینمای ایران و فیلم‌ها اول زوج بود.

دوره سی‌ام: دبیر جشنواره، محمد خزاعی که مسئولیت و سمتی در حوزه سینما نداشت، در رأس جشنواره قرار گرفت. قبل از پیش‌فروش، جدول نمایش فیلم‌ها آماده شد. آثار سه‌بعدی به نمایش درآمد. بازی فوتبال استقلال و پیروزوی در یکی از سالن‌ها پخش شد. در افتتاحیه و اختتامیه میهمانان ویژه با تشریفات به جشنواره منتقل شدند و مورد استقبال دبیر قرار گرفتند. برگزیدگان بخش مواد تبلیغی در اختتامیه معرفی شدند.

دوره سی‌ویکم: مراسم فرش قرمز فیلم‌ها برگزار شد. کتاب مرور جامع از ۳۰ سال جشنواره رونمایی شد.

نمایش فیلم‌ها دیتجیتال شد. شکل ظاهری سیمرغ بلورین به حالت حجمی درآمد.

دوره سی‌ودوم: علیرضا رضاداد، پس از سال‌ها دوباره به عنوان دبیر در رأس جشنواره قرار گرفت. دو فیلم به عنوان بهترین فیلم انتخاب شدند («آذر»، شهدخت، پرپوز و دیگران» و «رستاخیز»). پوسترهای فیلم‌ها در کاتالوگ منتشر شدند. دبیر دوره بعد در اختتامیه معرفی شد.

دوره سی‌وسوم: در مراسمی با عنوان «یک فیلم، یک سلام» قبل از جشنواره از پوسترها و تیزر فیلم‌ها با حضور عوامل رونمایی شد. بخش بین‌الملل به زمان و جشنواره دیگری منتقل شد. شکل و نام تدیس نگاه نو و مستند تغییر کرد. بخش هنر و تجربه به جشنواره اضافه شد. هزینه جشنواره به صورت کامل از اسپانسر تأمین شد. بلیت میهمان‌ها مکاتبه‌بر شد و با سینما کارت حق انتخاب پیدا کردند. همچنین بخش جوایز جنبی حذف شد. در بخشی با عنوان «سلام سینما» فیلم‌ها در سینماهای مردمی با حضور عوامل معرفی شدند و جزئیات بخش مواد تبلیغی، به مدیر تبلیغات فیلم اهدا شد.

دوره سی‌وچهارم: پوستر با شمایل یک سینماگر طراحی شد. دو چهره سینمایی به عنوان مشاور حکم گرفتند (شهاب حسینی و مهتاب کرامتی) و نشست پرسش‌ویاسخ فیلم‌ها به صبح روز بعد منتقل شد. عنوان بین‌الملل از جشنواره حذف شد و دبیر دیگری (رضا میرکریمی) مسئولیت جشنواره بین‌الملل را برعهده گرفت. **دوره سی‌وپنجم**: در این دوره اولین بار بود که از چهره یک سینماگر در پوستر استفاده می‌شد. از نکات این جشنواره اعتراض برخی اصحاب سینما و کاندیداها به نظرات هفت داور این جشنواره و انتخاب این داوران از طرف مدیریت سینمایی و سینمای ایران بود. از دیگر نکات می‌توان به ازیاد فیلم‌های نمایش‌داده‌شدن در این جشنواره اشاره کرد. روز دوشنبه ۱۹ بهمن‌ماه ساعت ۱۲.اسامی نامزدهای بخش سودای سیمرغ اعلام شدند. لازم است ذکر شود که برخی کاندیداها در اعتراض به انگاشتن سهلالنگاری داوران در اعلام نامزدها، از کاندیدا شن خود استعفا دادند. علیرضا داوودنژاد و وحید جلیلووند، از برندگان سیمرغ، ضمن تشکر از داورها به‌شدت از برنامه هفت و مجری آن، بهروز افخمی، انتقاد کردند.

دوره سی‌وششم: اولین بار مراسمی از آیین قرعه‌کشی برنامه نمایش فیلم‌های سی‌وششمین دوره جشنواره فیلم فجر مخصوص سینمای رسانه در پردیس سینمایی ملت با حضور اهالی رسانه و سینما برگزار شد. همچنین «لاتاری» به عنوان پر مخاطب‌ترین فیلم این جشنواره و تاریخ جشنواره فیلم فجر شد.

دوره سی‌وهفتم: این دوره به دبیری ابراهیم داروغه‌زاده، معاون نظارت و ارزشیابی وقت، برگزار شد.

دوره سی‌وهشتم: در این دوره ابراهیم داروغه‌زاده برای دومین بار جشنواره را برعهده داشت. ۲۶ دی ۱۳۹۸ قرعه‌کشی برای مشخص‌شدن ترتیب نمایش فیلم‌ها در سینمای رسانه (پردیس ملت) انجام گرفت. در هر روز پنج فیلم در چهار سانس در این سینمای نمایش داده می‌شود: سه فیلم بلند در سه سانس، یک فیلم مستند و یک فیلم کوتاه در یک سانس. یک سانس برای نمایش شهرآورد تهران در روز ۱۷ بهمن خالی گذاشته شد. همچنین پس از شهادت سردار قاسم سلیمانی، جایزه ویژه سردار سلیمانی به فیلم «آبادان یازده» اهدا شد.

دوره سی‌ونهم: در دوره ۳۹ و آخرین دوره دولت دوازدهم، سیدمهدی طباطبایی دبیری جشنواره فجر را برعهده داشت.

دوره چهلم: اولین دوره دولت سیزدهم بود که به دبیری مسعود نقاش‌زاده، معاون فرهنگی وقت بنیاد سینمایی فارابی، برگزار شد. در این دوره سیمرغ مردمی از جشنواره حذف شد.

دوره چهل‌ویکم: در این دوره به دبیری مجتبی امینی، بخش ملی و بین‌الملل جشنواره پس از سال‌ها دوباره ادغام شدند و به صورت هم‌زمان برگزار شدند؛ سیمرغ مردمی برای دومین سال حذف شد.

دوره چهل‌وسوم: در اولین دوره دولت چهاردهم منوچهر شامسوری دبیری جشنواره را برعهده گرفت.

در این دوره از جشنواره پس از سه سال سیمرغ مردمی به جشنواره بازگشت و بخش ملی و بین‌الملل نیز بار دیگر جدا شد.

یادداشت

وقتی از سینمای حرفه‌ای و اصیل حرف می‌زنیم



بهناز شهربانی

حیرت‌آور است وقتی در وانفکاسی اکران فیلم‌های کم‌دی، که تقریباً تمام فضای سالن‌های سینما را احاطه کرده‌اند، به دنبال دیدن فیلمی مطابق با سلیقه و معیارهای درست سینما می‌گردی، با ناپاوری سانس‌های محدود سینماها را برای دیدن فیلم مورد علاقه‌ات پیدا می‌کنی! این موضوع بر اجتماعی کمتر مجالتی برای عرض اندام همگان آشکار است که کم‌دی‌ها نبض سینماها را به دست گرفته‌اند و طی چند سال اخیر سینما جری‌تی و به‌اصطلاح اجتماعی کمتر مجالتی برای عرض اندام پیدا کرده است.
به همین رو، بسیاری از فیلم‌سازانی که آنها را با ساخت فیلم‌های اجتماعی به یاد می‌آوریم، هریک مسیری انتخاب کرده‌اند. برخی ترجیح داده‌اند تا زمانی که قواعد شورای پروانه ساخت برای تولید آثار اجتماعی به نقطه مطلوب نرسیده است، در این حیطه کاری انجام ندهند. برخی ساخت فیلم در گونه‌های دیگر را به کار نکردن ترجیح داده‌اند و برخی دیگر با تمام دشواری‌ها همچنان فعالیت‌هایی در این حوزه دارند.
دو سبوت دیگر، وضعیت علاقه‌مندان و مخاطبان سینمای اجتماعی نیز طی سال‌های اخیر چندان تعریفی نیست. فیلم‌های اندکی در این حوزه به اکران می‌رسند و همین تعداد محدود هم فضای مناسبی برای اکران در اختیار ندارند و سانس‌هایی که به‌هیچ‌وجه با فیلم‌های کم‌دی برابری نمی‌کند، در اختیارشان گذاشته می‌شود. طبیعی است که پاسخ سینماداران به این انتقاد این است که وقتی با خیل مشتاقان فیلم‌های سرگرم‌کننده و کم‌دی روبه‌رو می‌شویم، چاره‌ای جز بازکردن سانس‌های بیشتر برای آنها نداریم و اساساً همان سینماست که تا‌به‌امروز چراغ سالن‌ها را روشن نگه داشته است.
یاسخ اشتباهی هم نیست، اما جایگاه سینمای جدی ایران در این میان کجاست؟ مدتی است فیلم‌ها «علت مرگ نامعلوم» به چه چرخه اکران اضافه شده است. فیلمی که مدت‌زمان زیادی اجازه اکران نداشت و این روزها مجالتی برای این فیلم پیدا شده تا میزان مخاطبانش باشد. «علت مرگ نامعلوم» فیلم مهمی است و به جرت می‌توان گفت مخاطبانش را به تماشای یک فیلم خوش‌ریتم و خوش‌ساخت دعوت می‌کند.

علی زرنگار، نویسنده و کارگردان این اثر سینمایی، دانش‌آموخته کارگردانی سینما و ادبیات نمایشی است. در کارنامه‌اش کارگردانی فیلم‌های کوتاه بسیاری دیده می‌شود و همکاری در نگارش فیلم‌نامه‌های بحث‌برانگیزی چون «چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت»، «بدون تاریخ، بدون امضا» و «مغز استخوان» در کارنامه سینمایی او قابل تامل است. پس دور از ذهن نیست که نخستین اثر سینمایی او، «علت مرگ نامعلوم»، اثری کم‌نظیر و دلنشین و حرفه‌ای است؛ فیلمی که از همان دقایق اول مخاطش را میخکوب می‌کند.
بنیال شامسور، علیرضا ثانی‌فر، ندا جبرائیلی، علی‌محمد رادمنش، زکیه بهبهانی، رضا عمودزاده و سهیل باوی مقابل دوربین او ایفای نقش می‌کنند؛ ترکیب درستی از بازیگران که نمی‌توان به‌جای آنها بازیگران دیگری را متصور بود.
به یقین که بعد از گذشت ماه‌ها غیاب فیلم جدی باکیفیت در اکران سینماها، دیدن این فیلم دلگرمی بزرگی است که همچنان می‌توان در این عرصه مستقل تعریف می‌شود. این را می‌توان در تمامی لحظات دیدن فیلم متوجه شد.
با وجود این و امکانات محدودی که برای ساخت این اثر سینمایی به چشم می‌خورد، اما با فیلم‌نامه‌ای مستحکم،

فیلم‌برداری و تدوین متناسب با قصه و بازی‌هایی که در خدمت ساختار قصه است رویه‌رو هستیم.

در پایان فقط می‌توان امیدوار بود فضای بیشتری برای دیده‌شدن چنین فیلم‌هایی در سینمای ایران فراهم شود.